

راه‌اندازی اتاق ارز پایان چالش‌های ارزی یا شروع نوسانات جدید؟ علیرضا گرشاسبی، کارشناس اقتصادی آرمان

پس از بحث و بررسی‌های مختلف درخصوص سیاست‌های ارزی و راه‌اندازی نهادهایی برای سامان دادن به این بازار در نهایت تصمیم‌سازان به جای راه‌اندازی بورس ارز اتاق ارز را در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۳ افتتاح کردند. عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان ارز در محیطی فیزیکی به مبادله ارز در ۲ درصد زیر قیمت بازار آزاد می‌پردازند. تحلیل پیرامون این سیاست را می‌توان از دو سمت عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان تعقیب کرد. عرضه‌کنندگان در این اتاق شامل ارکان دولت، بخش خصوصی و خانوارها هستند. این بخش‌ها تا پیش از این عرضه‌کنندگان رسمی در هیچ نهادی نبوده‌اند. دولت پس از کسب درآمدهای ارزی توسط بانک مرکزی اقدام به تبدیل آن به ریال برای مصارف خود می‌کرده است. بخش خصوصی نیز عمدتاً تقاضاکننده ارز بوده تا عرضه‌کننده آن و خانوارها نیز عمدتاً به مصارف شخصی و عده‌ای اندکی که سهم کمی نیز در بازار دارند به منظور حفظ قدرت خرید وارد بازار می‌شوند و همگی اقدام به خرید ارز می‌کرده‌اند. بانک مرکزی که تا پیش از این تنها عرضه‌کننده ارز در بازار بوده است، اجازه داده نهاد دیگری نیز به بازار ارز وارد شود. چراکه، نرخ ارز در اتاق ارز ۲ درصد پایین‌تر از بازار آزاد تعریف شده است. حضور این نهاد بر پیچیدگی‌ها و احتمالاً نوسانات بازار ارز دامن خواهد زد. با گذشت چند ساعت از شروع به کار این اتاق نرخ ارز بیش از ۱۵۰ تومان افزایش قیمت داشته داشت که خود گواهی بر این مدعاست. در این خصوص چند چالش اساسی به چشم می‌خورد که آینده اتاق ارز را در بهبود شرایط بازار ارز با نگرانی‌هایی همراه خواهد ساخت.

۱. تعیین نرخ ارز ۲ درصد پایین‌تر از بازار آزاد به‌منزله به رسمیت شناختن کامل این بازار از یکسو و گره زدن زلف نرخ ارز برای اولویت‌های کالایی به این بازار است. عوامل بازار آزاد ارز که تا پیش از این نیم‌نگاهی به نرخ ارز ۱۲۲۶ تومانی بانک مرکزی داشته‌اند، اکنون با خیالی آسوده با نرخ‌های بالاتر از ۲۰۰۰ تومان سروکار دارند که این امر خود محرک قیمت در بازار آزاد برای افزایش است چراکه هیچ محدودیتی برای نگاهداشت بازار برای افزایش وجود ندارد بلکه این نرخ ارز در اتاق ارز است که باید خود را با بازار آزاد مطابقت دهد.

۲. باید به این نکته توجه داشت که تمام متقاضیان ارز راه به سمت اتاق ارز نخواهند برد. لذا، تنش‌های زیادی در این شرایط به بازار آزاد برای افزایش نرخ ارز وارد خواهد آمد. نوسانات دائم قیمت ارز در بازار آزاد و به تبع قانون ۲ درصد زیر قیمت ارز در اتاق ارز آن هم در شرایطی که هیچ محدوده‌ای برای این نوسانات پیش‌بینی نشده، نااطمینانی ناشی از این نوسانات را به اوج خود خواهد رساند. اینکه بخش خصوصی و خانوارها به صورت مستمر ارز خود را با ۲ درصد زیر قیمت بازار آزاد در این اتاق عرضه کنند نیز واقعا دور از ذهن خواهد بود. به نظر می‌رسد که راه‌اندازی اتاق ارز عمدتا مکانی برای تهیه ارز متقاضیان از دو عرضه کننده عمده یعنی دولت و صندوق توسعه ملی باشد. تبعات این نوسانات هم در کوتاه‌مدت و هم در میان‌مدت بر بازار کالاها و خدمات نیز چشمگیر خواهد بود.

۳. یکی از مهمترین مواردی که در شرایط تحریم و فشارهای اقتصادی باید توجه داشت آن است که اصولا نمی‌بایست به سمت جهت‌دهی عوامل بر مبنای بازار آزاد باشیم. نهادهای تصمیم‌ساز می‌توانند دخالت در بازارها را بر مبنای کنترل‌های هدفمند عوامل بازار انجام دهند. اولویت‌بندی ارز در گروه‌های ۱۰ گانه برای تخصیص ارز و سپس تغییر آن در کمترین زمان، بدون فعل و انفعال خاص در بخش حقیقی اقتصاد ایران خود نشان می‌دهد که راهبرد بانک مرکزی در هدایت این بازار و پایبندی به سیاست‌های اتخاذی آن در سطح بالایی قرار ندارند بالا نیست. هنوز هم بیم آن می‌رود که اتاق ارز باز نشده بسته شود و از این رو است که بازار آزاد کمربند خود را برای سبقت گرفتن از دامنه‌های قیمت‌های بالاتر از ۳۰۰۰ تومان نیز به شدت بسته است. این ضرورت به شدت احساس می‌شود که باید از چندگانگی در نرخ ارز اجتناب کرد. راه‌اندازی اتاق ارز یعنی اینکه بانک مرکزی برای ارز مرجع نرخ ثانویه در نظر گرفته است. وجود دو نرخ برای ارز مرجع که تعیین یکی از آنها به نرخ ارز بازار آزاد ارتباط دارد بر چالش‌های موجود می‌افزاید. ضمن آنکه، در شرایطی که ورود ارز به ایران به دلایل متعدد با سختی‌های زیادی روبرو است نمی‌توان انتظار داشته که بخش خصوصی استقبال چندان مناسبی در عرضه ارز در این اتاق داشته باشد. در خاتمه باید گفت: کارآمدی این سیاست برای پایداری در بازار ارز با تردیدهای اساسی روبرو است.